**علامه محمد قزوینی**

**یغمائی، حبیب**

این یادداشت موجز درباره مرحوم قزوینی نوشته شده به‏ خواهش دیگری،ونمیدانم خواهشگر کی بوده و چاپ شده یا نه؟ به‏هرحال چاپ آن اگر سودی نبخشد زیان هم ندارد.

(حبیب یغمائی)

میرزا محمد خان قزوینی،بی‏تردید یکی از محققان و عالمان بی‏مانند ایران در این عصر است،و به حق انصاف در دایره المعارف فرانسه نامش را به‏ احترام تمام برده‏اند.در کنجکاوی و استقصاء نکات ادبی و تاریخی تا به مأخذ اصلی دست نمی‏یافت از تحقیق و مطالعه باز نمی‏ایستاد و به این جهات سخن او حجت‏ بود،و هست،و کم اتفاق می‏افتد که در تحقیق مطلبی راه خطا پیموده باشد.

او،روش پی‏جوئی و تحقیق را در اروپا آموخته بود و با مایه‏ای قوی که‏ در ابیات عرب و فرانسه داشت در فن تحقیق و تتبع به مرتبه اعلی رسید.کتاب‏ها و مقالاتی که از او باقی است گواهی است روشن بر این معنی.

گذشته از این مقام،او معلم و راهنمای عده‏ای معدود از استادان ماست که‏ در پی او گام نهاده‏اند چون سید احمد کسروی-عباس اقبال-دکتر محمد معین- بدیع الزمان فروزانفر رحمه اللّه علیهم اجمعین.

قزوینی در درست نوشتن و درست گفتن فارسی تعصب شدید داشت و از خواندن‏ کتاب‏ها و روزنامه‏های نادرست سخت رنج می‏برد و حتی کسانی را که در مکالمه‏ اشتباهاتی می‏کردند به دشواری می‏پذیرفت و این نیز خود تعلیمی دیگر بود در تربیت مستعدان.

در اخلاق و رفتار چندان بزرگوار و معصوم بود که باور نمی‏کرد انسانی‏ باشد که دروغ بگوید تا چه رسید باین که دروغ بنویسد.

\*\*\* شرح مسافرت خود را به اروپا نوشته.در زمانی که در اروپا می‏زیسته مرحوم‏ محمد علی فروغی از او حمایت می‏کرده در قفای قطعه عکسی که به فروغی اهدا کرده و اکنون نزد من است بدین نکته تصریح فرموده است.

در سالهای 1310 شمسی به بعد،مقرر شد نسخه‏های معتبر و منحصر فارسی‏ را که در کتابخانه‏های اروپاست از طرف وزارت معارف عکس‏برداری کند.این‏ نسخه‏ها اکنون در کتابخانهء ملی است و غیر از نسخه‏هائی است که دیگران برای‏ استفاده مادی و نامجوئی به هزینهء دولت فیلم آن را تهیه گرده‏اند و از آن بهره- برداری می‏کنند.نسخه‏هائی که قزوینی تنظیم فرموده همه با نهایت ظرافت‏ صحافی و تجلید شده و قزوینی به هریک مقدمه‏ای بسیار دقیق نوشته که تا به‏ کتابخانه نروند،و نه بیند و نخوانند قدر آنرا نمی‏شناسند،تازه،اگر بفهمند!

در سال‏های بعد از 1312 شمسی که با مرحوم فروغی در تجدید چاپ کلیات سعدی همکاری داشتم غالبا از طرف فروغی مشکلات را با قزوینی در میان می- گذاشتم و او با مطالعهء نسخه‏هائی که در کتابخانه‏های پاریس بود راهنمائی‏ می‏فرمود.

به مناسبت هفتصدمین سال تصنیف گلستان در زمان وزارت حکمت دانشمندان‏ هریک مقالتی نوشته‏اند که در کتابی به نام سعدی نامه به چاپ رساندم،قزوینی‏ موضوع ممدوحین سعدی را انتخاب کرد که خود کتابی است از آثار بسیار با ارزش و دقیق قزوینی،که بی‏نظیر است و علی‏حده هم چاپ کرده‏ام.من در ضمن مطالعهء نسخه‏هائی که در اختیارمان بود غزلی یافتم به عنوان مدح ابش خاتون‏ دختر اتابک و آن را برای اطلاع قزوینی فرستادم.این غزل در طیبات است‏ بدین مطلع:

فلک را این همه تمکین نباشد فروغ مهر و مه چندین نباشد

رسالهء ممدوحین سعدی بچاپ رسید،ملاحظه فرمائید برای این مختصر اطلاع چه لطف‏ها و چه تحسین‏ها فرموده و اما در نامه‏های خصوصی اظهار محبت‏ او چندان است که از باز گفتن شرم دارم.

وقتی بنده او را با دیگران-که سال‏ها خدمتگزارشان بودم-می‏سنجم‏ درمی‏یابم چه بزرگ مردی حق‏شناس بوده است.

تامه‏های قزوینی به فروغی و به بنده اگر چاپ شود خود کتابی می‏شود ادبی‏ و تحقیقی و تاریخی اما برای کی؟و برای چی؟

\*\*\* قزوینی در بحبوحهء جنگ بین المللی دوم در طهران مقیم شد و بنده همواره‏ خدمتش می‏رسیدم.گفتگوی دوستانه فروغی و قزوینی که تنها بنده در آن محضر بودم بسیار جالب و شیرین است که مجال بیان آن نیست. قزوینی در انتشار مجلهء یغما به نامه‏های مکرر تشویقم می‏فرمود که در مجلد اول(سال 1327)می‏توان دید،آنچه برای من افتخاری است جاودانی نامه‏ای‏ است بدین عبارت:

«از نوشتجات این جانب خواه خطاب بمرحوم فروغی یا بخود سرکار عالی‏ یا بکسان دیگر بدستتان افتاد باصطلاح محدثین بسرکار عالی اجازه می‏دهم که‏ از این جانب روایت کنید و منتشر فرمائید.وکیل مطلق بدون هیچ شرط و قیدی‏ هستید...»1

مرحوم سید حسین تقی‏زاده با تعجب می‏فرمود:قزوینی با آن همه وسواس، و با آن همه دوست،هیچگاه به احدی چنین اجازه و امتیازی نداده است.بنده‏ اگر بخواهم در این موارد سخن کنم مفصل می‏شود.همین مختصر هم در ادب‏ اطاعت است.

(1)-مجلهء یغما سال 1328،ص 107